

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لیزا سروش
۲۲.۰۶.۰۹

پاسخ های لیزا سروش

در باره نقش زنان در انتخابات

سؤال نقش زنان را در تعیین زعامت آینده کشور چقدر مهم می دانید؟

همان گونه که زنان نیمی از پیکر جامعه را تشکیل می دهند، شک نیست که نقش سازنده در تعیین زعم کشور دارند ، اما با تأسف که این نقش در کشور ما افغانستان با نظام چند ساله ما فیائی حاکم ، یک نقش سمبولیک است. در افغانستان تعیین زعامت اکثراً به واسطه مردان خانواده تبلیغ میشود و علت آن هم ، در قدم اول حاکمیت نیمه مطلق، یا اگر به اشتباه نرفته باشم مطلق مردان بر زندگی زنان و دوم عدم اعتماد زنان نسبت به خود شان است. اگر در کشور یک حکومت مردمی با پایه های مردم بیاید، شک نیست که نقش زنان یکی از بارزترین رول خواهد بود که جامعه را به سوی آزادی، دموکراسی ، تحقق آزادی بیان ، تساوی حقوق زن و مرد و در عموم به یک دنیای سالم سوق دهد.

اما ناخوانی روندهای اجتماعی – سیاسی و فرهنگ ترقی زدائی که "حجاب اختناق" بر جامعه کشیده است؛ تنش دائمی میان جنبش های اجتماعی، که خواهان مناسبات برابرتر، مدرن تر و آزادتر اند ، با نظامی که مدرنیسم را در ابزار سرکوب و چاپیدن اتخاذ کرده و با ایدئولوژی های مختلف در هم آمیخته ، یک واقعیت انکار ناپذیر و عیان است که بارزترین تناقض اجتماعی – فرهنگی میان قوانین و سنت های حاکم به نام اسلام در مورد زنان بر جنبش توده ای آزادی زن مانع ایجاد کرده است . تضاد میان تصویر اسلامی رسمی زن و سیمای زن در جامعه بسیار گویا است و هم میتواند فکتور دیگر باشد که سایه بر استقلال زنان در همه عرصه ها خصوصاً در عرصه سیاسی و تصمیم برای رای دهی بیندازد.

به نظر شما چند فیصد زنان افغانستان از مفهوم واقعی انتخابات، اهمیت داشتن یک رئیس جمهور خوب، راه های رسیدن به یک جامعه مطلوب و تحقق آزادی زنان مطلع هستند؟

گزینه یک رئیس جمهور مطلوب و صالح و مشارکت فعالانه در انتخابات یکی از وظایف عیدیه همه ملت به ویژه زنان است. با توجه به نزدیک شدن فصل انتخابات، از آنجا که زنان بخش اعظمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند، با حضور فعالانه خود در این عرصه نیز انسجام و بلوغ سیاسی خود را برای جهانیان به نمایش خواهند گذاشت. اما در قسمت فیصدی، شاید بگویم هیچ فیصد؛ چون در افغانستان زنان آنقدر از صلاحیت برخوردار نیستند که بتوانند

از مزایای اجتماعی و سیاسی بهرمنند شوند. زنان، سالهاست، تحت حاکمیت نظام های مرد سالار زندگی دارند. تا زمانی که در کشور سیستم حکومتاری فاسد بر سر قدرت باشد؛ فعالان مافیائی از نزدیکان رئیس جمهور باشند؛ طرح قوانین ضد زن و نظام ضد زن حاکم باشد، آیا میشود انتظار داشت که زن میتواند به مفهوم اساسی، واقعی و اهمیت یک اداره و رئیس جمهور بر خوردار باشد؟

شما دیدید که قانون جدید زن ستیز - که من آنرا به نام توهین نامه بر پیکره زن میشناسم - از سوی پارلمان تصویب و به توشیح [رئیس جمهور] فرستاده شد. و رئیس جمهور هم بدون کم کاست پذیرفت و امضاء کرد. این میرساند که چند فیصد زنان در نمایش امروزی "نقش ابزاری زن" در اجتماع افغانستان صلاحیت و نقش سازند در تصامیم دارند. چیز دیگر اینکه، "من باور ندارم بعد از این هم کدام رئیس جمهور خوب در افغانستان انتخاب شود، ممکن است که کرزی باز هم در این چا پاندازی قدرت، گوساله را به طرف خود بکشاند".

تأسف میکنم که جامعه افغانستان در یک تناقض دردناک قرار دارد. یک جنبش وسیع و توده ای برای آزادی زن در گوشه و کنار جامعه در تحرک و تقلا است و دائما در حالت امید و استیصال دست و پا میزند. یک گروه یا دلقکان آدمکش که در کشتار و سرکوب یک جامعه چند ده میلیونی نقش مستقیم داشته اند با نظام مافیائی شان، امید و خواست های این جنبش را به سخره میگیرند و میکوشند مضحکه خود را به اسم اصلاح اشتباهات گذشته، پاداش جهاد، وعده دادن چوکی ها و دها تراژیدی دیگر به خورد مردم و افکار عمومی بین المللی دهند. پس در چنین شرایطی دشوار است که زنان را از انتخابات و انتخاب کردن آگاه کرد. از سوی دیگر هنوز جنگ در افغانستان جریان دارد و نمیشود به قریه جات حتی در مرکز شهر ها رفت طالبان بر مراکز دولتی حمله میکنند و مردم در هراس اند.

دیگر، شما هشت ساله کار کرد ها را عملا مشاهده میکنید، برای اینکه طالبان، حزب اسلامی و جنگ سالاران در قدرت باشند و هر بار هم برای کسب حاکمیت شان اولتر زنان را اذیت میکنند؛ در مقابل چشمان به اصطلاح مدافعان بین المللی زنان، قانون زن ستیز به توشیح میرسد و زنان سرخط اخبار داخلی و خارجی میشوند.

کسی به فکر نقش زن در افغانستان نیست. زد و بند با روسها و امریکائی ها در جریان است. از همه مهمتر، بعد از این هم هر کسی که به قدرت برسد ممکن نیست از درون نظام سرمایه و استعمار بیرون نیامده باشد. شما کی را در بین این کاندید ها مناسب میدانید، همه یا قاتل و آدمکش اند و یا نوکر و یاهم از جمع مردان ضد زن. پس چی امیدی برای تغییر نقش زن در ساختار چنین دولت و یا حکومت است؟-

اگر زنان حقوق خود و نقش رئیس دولت را در تحقق آن خوب نمی دانند، پس در چنین حالت خوفناک، انتخابات برای ایشان چه مفهومی دارد و شرکت آنها در انتخابات چه سودی برای خود آنها و یا تحقق دموکراسی در کشور خواهد داشت؟

اول، یک چیز که دموکراسی در افغانستان یک فانتازی است. کمتر کسانی اند که به دموکراسی باور دارند. دوم، اکثر زنان در افغانستان برای اینکه خانواده ها و خودشان از تهدید نجات یابند به صندوق ها رأی خود را میریزند - من شاید چنین حالات در انتخابات سال ۲۰۰۴ بودم.

جامعه ای که زیر یک سرکوب خونین و خشن قرار دارد، جامعه ای که حاکمان آن ایدئولوژی و فرهنگ متعفن و عقب مانده را تحمیل میکنند و ارتجاع خود را به نمایش میگذارند، چی ضرورت است که مرتجعان با رأی بیابند، آنها درست میتوانند مدل اسلام اوبامائی باشند و یا دهای دیگر.

تا آنجا که من به عنوان مدافع جنبش آزادی زن، حالت و زجر زن را هر روز لمس میکنم و هوا ونوای کاندیدان را میدانم که زن نزد هر یک شان نه سمبول مقاومت، شجاعت، متانت بلکه عنصر معادله است. نه برای راه حل بلکه

برای تظاهر، برای فریب با سر گذشت هم‌رنگ. پس چی باقی است که زن افغان بداند نقش رئیس جمهور چی است؟ نه به میلیونها زن کم سواد و بی سواد افغان حتی برای ما مدافعان آزادی و ترقی هم دشوار است که بدانیم، رأی به رئیس جمهور سمبول ایست برای تعیین سر نوشت کشور و میلیونها کودک و نوجوان و پیر و تمثیل دموکراسی. اما آمدن "رئیس اجراییه" یا به اصطلاح افغانی "امباغ" انتصاب شده امریکائی چیست؟

دشوار است، که در این وقت بی نهایت کم، زنان اصل نو امریکائی را از پایه بدانند، و با اعتماد به پای صندوق های رأی بروند و هر کاندید هم مجبور است از پول "قیمتش" سرمایه گذاری برای رأی دهی نماید. در حالیکه هر کاندید خود نقش اساسی در حفظ و گسترش این نظام و به ویژه بی حقوقی زن و ایدئولوژی زن ستیز داشته است. میدانم ایشان را باید کاندید گفت یا تجار سیاسی نامید! اما ضرورت میدانم که این کاسه لیسان را باید گفت، بساطتان را جمع کنید. خدا روزی تان را جای دیگر حواله کند. دست از تجارت مردم و شعار های آزادیخواهانه و برابری طلبانه تان بردارید، امتحان تان گذشته است، کار شرافتمندانه تری پیدا کنید.

آیا این یک کار بد و خطرناک نیست که زنان بیسواد و کم سواد در افغانستان، نه به اراده خود، بلکه به خواست و یا بعضاً در اثر فشار، خانواده ها و یا سران شهر و روستای خویش، به دور صندوق های انتخابات کشانیده می شوند و با انداختن کارت رای خود، اراده دیگران را در برابر یک کاندید ریاست جمهوری تحقق می بخشند؟

کاملاً یک کار غیر انسانی است. هر چیز که آزادی انسان را سلب کند همه میدانند چیز بد است. دیگر راهی ندارند اگر از خود مقاومت نشان دهند شاید به سر نوشت شوم ضد انسانی و ضد بشری روبرو شوند.

به هر میزان که زنان در اداره امور یک جامعه مشارکت داشته باشند میزان توسعه یافتگی آن جامعه افزایش پیدا می کند. وقتی توسعه به ظهور می رسد که همه اقشار یک جامعه چه زن و چه مرد مشمول این توسعه می شوند. در طول تاریخ زنان به عنوان بخشی از اصلی ترین لایه های اجتماعی و میوه کامل کننده مردان همواره در فعالیت های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جایگاه خاصی داشته اند.

اما شما میدانید، زنان افغانستان تا هنوز هم بازنده اند، کمتر زنانی اند که توانسته اند آزادی خود را به مفهوم واقعی کسب نمایند. ولی این را در برابر یک جمعیت مطلق که تحت سلطه مردان زندگی میکند نمیشود احصائیه گرفت.

چه باید کرد تا زنان از این وضع برون آیند، حقوق خود را خوبتر بشناسند و آگاهانه تر به پای صندوق های رأی بروند؟

اگر همین آسیاب باشد و همین گندم، هرگز امکان ندارد. میشد ممکن بود، اما اگر در این مدت گذشته دولت میداشتم، با حق زن افغان تجارت ملی و بین المللی نمیشد. جنایت کاران به جزای اعمال شان میرسیدند؛ حق مردم بیگناه تلف نمیشد و خاندان رئیس جمهوری کرزی قاچاقی نمیبود و حکومت مافیائی.

در شرایط کنونی بی سواد و بی روزگاری بر جامعه زن فریاد میزند. فقدان فرهنگی حاکمیت میکند. حکومت های محلی حاکم در محلات اند. طالبان به نفوذ و قدرت خود در مناطق افزوده اند. با جنایت کاران محاسبه نه بلکه معامله میشود. شاید چیز بسیار خوشباورانه باشد، که زیاد امید داشته باشیم راهی برای آگاهی زن افغان باقیست.

من می خواهم برای مردم و دنیا بگویم، زنان در افغانستان به خاطر حفاظت اعضای خانواده های شان رأی خود را به صندوق ها می اندازند، رأی مردم هیچ ارزش سیاسی برای حکومت از قبل تعیین شده ندارد. ولی دنیا باید برای فریب مردم افغانستان و نمایش دموکراسی مسخره چنین درامه ها را داشته باشد. تشکر